

انتشارات انصار امام مهدی ﴿خداوند در زمین تمکینش دهد﴾

روشنگری از دعوت فرستادگان

(جلد دوّم)

نویسنده

وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام

سید احمد الحسن علیه السلام

ا ه د ا

به کسانی که به من آموختند چگونه به جانب حق بایستم

و به تنهایی اهمیتی نداده و از آن ترسم . .

به کسانی که پستی و بی ارزشی دنیا را به من آموختند . .

به کسانی که افتخار دارم خاک پایشان را ببوسم . .

به سروران بزرگوارم . انبیاء و فرستادگان خدا (علیهم السلام) . .

روشنگری

از دعوت پیامبر اکرم و مطالبی در مورد عذاب

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴾ * ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١﴾ .

(وما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند و به سوی خدا) باز گردند و تضرع کنند * سپس نیکی را به جای بدی قرار دادیم . آنچنان که فزونی گرفتند و گفتند: به پدران ما نیز تنگ دستی و توانگری رسید چون چنین شد. آنها را ناگهان گرفتیم. در حالی که نمی فهمیدند).

﴿ وَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴾ * فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٢﴾ .

(ما به سوی اُمتهایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم (و هنگامی که با پیامبران مخالفت کردند) آن امتها را با رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید در برابر حق خضوع کنند و تسلیم گردند * چرا هنگامی که مجازات ما به آنها رسید. تسلیم نشدند؟ بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد و شیطان هر کاری را که می کردند در نظرشان زینت داد * هنگامی که آنچه را به آنان یادآوری شده بود فراموش کردند. درهای همه چیز را به روی آنها گشودیم، تا خوشحال شدند. آنگاه ناگهان آنها را گرفتیم تا مگی نومید و مأیوس شدند).

(۱) اعراف: ۹۴ - ۹۵.

(۲) انعام: ۴۲ - ۴۴.

این چنین است سنت خداوند و هرگز این سنت و روش تغییر نخواهد کرد .
معمولاً خداوند سبحان و تعالی پس از اینکه برای ملتی پیامبری می فرستاد آنها را به عذاب و سختی گرفتار می نماید. و این عذاب به سبب تسلط يك ستمگر بر اهل رمین واقع می شود. مانند تسلط فرعون مصر بر بنی اسرائیل و تسلط نمرود بر قوم ابراهیم علیه السلام. ضرر اقتصادی که غالباً نقص در اموال و کم شدن برکت در زراعت و نسل و تجارت است. معمولاً سبب می شود که مردم به فساد جامعه‌ای که در آن زندگی می کنند در نتیجه برخی به سوی خدا باز گردند و به او پناه آورند و بدین صورت گروهی از ملت برای استقبال و ایمان به رسول و پیامبران آماده می شوند. اما پس از این مرحله دنیا آغوش خود را برای دوستارانش می گشاید تا آنها را پس از مخالفت با پیامبرانشان در درّه گمراهی افکند. این گونه افراد شبهات را بهانه این سقوط خود بیان کرده و گمان می کنند بهانه‌هایی که به سبب آنها با پیام آورشان مخالفت کرده و یا از یاری او روی گردانده و یا با او جنگیده‌اند. برای معذرت خواهی در مقابل خداوند عز و جل و در روز قیامت برایشان کافی است. و اگر مؤمنان آنها را متذکر کنند که این رفتار و کردارشان مشابه ملت‌های گذشته است که به عذاب و شکنجه الهی گرفتار شدند. در پاسخ می گویند: پدران و نیاکانمان نیز همین روش را در زندگی خود در پیش گرفته و نه شکنجه‌ای بر آنها نازل شد و نه پیامبری برایشان فرستاده شد. پس در مورد آن مرد مؤمن می گویند که او دروغگو یا ساحر یا کاهن یا شاعر یا خیال پرداز است و هر بهانه‌ای برای خود می سازد تا بر مؤمنین و مجادله خود غلبه کنند. چرا که فطرت انسانها همیشه آنها

را به سوی بیداری و هشیاری می خواند. و در همین حال جدید یعنی روی آوری دنیا ﴿بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ﴾^(۱) (نیکی را به جای حسنه قرار دادیم) .

و در اوج این لذت و در حالی که از فزونی نعمت سرمستند. ناگهان عذاب الهی بر آنها نازل می شود:

﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾^(۲) .

(به جان تو سو گند. اینها در سرمستی خود سرگردانند)

آنگاه دیگر پشیمانی سودی ندارد و فریاد میزنند که: خداوندا سنگ دلی بر ما چیره شد .. خدایا ما را از این وضع نجات بده .. ما به خود ستم کردیم .. خدایا .. خدایا .. بلند می شود و پاسخ می آید:

﴿قَالَ اخْسَوْوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ * إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾^(۳) .

(در دوزخ دور شوید و با من سخن مگویید * گروهی از بندگانم می گفتند پروردگارا ما ایمان آوردیم. ما را ببخش و بر ما رحم کن. و تو بهترین رحم کنندگانی * اما شما آنها را مسخره کردید تا شما را از یاد من غافل کردند. و شما به آنان می خندیدید) .

(۱) اعراف: ۹۵.

(۲) حجر: ۷۲.

(۳) مؤمنون: ۱۰۸-۱۱۰.

روشنگری و هدایت قبل از عذاب

پیامبر در مقابل عذاب الهی رحمت خداوند است. اما چگونه این رحمت شناخته می شود. چگونه دعوت پیامبر از دیگر دعوت‌های جعلی شناخته می شود؟ مسلمانان چگونه توانستند محمد ﷺ را بشناسند و از او پیروی کنند ولی « مسیلمه » و « سجاح » و « اسود عنسی » و دیگر علمای مسیح یا یهود یا علمای اصناف را به پیامبری نپذیرند؟ آیا اینها ساده لوح بوده و هیچگونه حجت و بهانه‌ای برای پیروی از محمد ﷺ و قانع کردن مردم نداشتند تا آنها را متقاعد کنند که دعوت‌های باطل و دروغینشان. حقیقت دارد؟ آیا اینکه مسیحیان نامه‌ای را که عیسی عليه السلام در آن به آمدن محمد ﷺ خبر می دهد را معتبر نمی شمردند؟ مگر یهودیان. پیروان موسی و احناف. پیروان ابراهیم نبودند. مگر پیروان علمای مسیح و یهود و احناف نمی گفتند: ﴿إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ﴾^(۱). (ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنها اقتدا می کنیم).

﴿بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْكَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾^(۲).

(نه. ما از آنچه پدران خود را در آن یافتیم. پیروی می کنیم؛ ایا اگر پدران آنها چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند باز از آنها پیروی خواهند کرد).

مگر نمی گویند يك گنجشك در دست بهتر از ده گنجشك بر روی درخت است. اما آنها هیچ چیز بر درخت نمی دیدند. آنها تردید داشتند؟

(۱) زخرف: ۲۳.

(۲) بقره: ۱۷۰.

آیا آنها واقعاً گنجشکی در دست داشتند یا این فقط يك توهم بود و نیرنگی که شیطان برای فریشان به کار برد؟ مگر همین ها نبودند که در مقابل سخنان محمد صلی الله علیه و آله می گفتند: او دیوانه است. مجنون است. جادوگراست. کاهن است. دروغگو. و نادان است و... پس چگونه می توان پیامبر واقعی را شناخت؟

۱- دیوانه‌ای که سخنان بزرگ و حکمت آمیز می گوید .

۲- مجنونی که با کلمات الهی اهریمن را از انسان دور می کند و جنیان کافر و شیاطین از او فرار می کنند .

۳- کاهنی که وقت خود را به نماز و عبادت می گذراند .

۴- دروغگویی که به راستگویی و امانتداری مشهور شده بود .

۵- نادانی که از میان دانشمندان مبارز می طلبد و در علم بر آنها پیروز می گردد .

و برای پاسخ به او جز سفسطه و مغالطه و افترا چیزی ندارند .. گمان می کنم این تناقض ها کافی است که بدانیم حق با رسول خداست. و اما جن این موجود ضعیف و بیچاره حتی انواع بد و شرورشان در مقابل اشرار بشر ضعیف و بیچاره‌اند. اما علمای گمراهی که با پیامبران مبارزه می کنند آنها را مخلوقات وحشتناکی نشان می دهند که قدرتهای عجیبی دارند در حالی که خودشان می دانند که شیاطین نمی توانند در مقابل يك آیه و يا يك کلمه خداوند مقاومت کنند:

﴿ وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ * وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ * وَمَا يَسْتَطِيعُونَ * إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴾ (۱)

(شیاطین و جنیان هرگز این آیات را نازل نکردند * و برای آنها سزاوار نیست و قدرت ندارند * آنها از شنیدن اخبار آسمانها بر کنارند) .

از سوی دیگر آنها می دانند که او راستگو و زاهد است ولی می گویند که شیاطین با او سخن می گوید. اما خداوند که جن و شیطان را که افریده است به آنها پاسخ می دهد:

﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿١﴾ * تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢﴾ * يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٣﴾﴾ (۱)

(آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟ آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می شوند * آنچه را می شوند به دیگران القا می کنند. و بیشترشان دروغگو هستند) .

و با همه اینها بیشتر مردم از علمای گمراه که دشمن پیامبران و انبیا هستند. پیروی کرده و با فریب آنها از حقی که پیامبران با خود آورده اند دور می شوند:

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿١﴾﴾ (۱)

(شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنها پیروی می کنند)

منظور از شعراء علمای گمراه کننده است و این تفسیر از سوی اهل بیت علیهم السلام روایت شده است .

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿١﴾﴾ (۱)

(ایا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند) .

(۱) شعراء: ۲۲۱ - ۲۲۳ .

(۲) شعراء: ۲۲۴ .

(۳) شعراء: ۲۲۵ .

۶- درّه‌ای عمیق و سقوط در گمراهی و انحراف از حق (و آنها چیزهایی را می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند) همواره عالم غیر عامل و گمراه مردم را به سوی نیکی و ترک بدی دعوت می‌کند اما خود کردار نیکی ندارد. بلکه اموال بیوه گان یتیم را می‌خورد و از ناتوانان سوء استفاده می‌کند و در راه خدا جهاد نمی‌کند:

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمَنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزِحٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (۱).

(و آنها را حریص‌ترین مردم بر زندگی می‌بینی. تا آنجا که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر کند. در حالی که این عمر طولانی او را از کیفر الهی نجات نخواهد داد. و خداوند به اعمال آنها بیناست).

اما بالاخره و هنگامی که عذاب نازل شود آنها از کسانی که رهبرشان در گمراهی بوده‌اند بیزار می‌گردند. اما هیئات که کلمه الهی حقیقت یافت و

﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * قَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ (۱).

(ای وای بر من کاش فلان را دوست خود انتخاب نکرده بودم. او مرا از ذکر. گمراه ساخت. بعد از اینکه به سراغ من آمده بود. و شیطان همیشه خوار کننده انسان بوده است) و در حالیکه در گذشته می‌گفتند:

(۱) بقره: ۹۶.

(۲) فرقان: ۲۷-۲۹.

﴿ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَفْتَنُونَ ﴾ (۱).

(آنها گفتند: ما تو را و کسانی که با تو هستند را به فال بد گرفتیم. گفت: فال بد شما نزد خداست. بلکه شما گروهی هستید فریب خورده).

﴿ أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴾ (۲).

(خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید که اینها افرادی پاکدامن هستند).

﴿ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴾ * مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيْتًا وَإِن أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴾ (۳).

(ما هر يك از اینها را به گناهانشان گرفتیم بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم. و بعضی از آنها را صیحه آسمانی فرا گرفت. و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم. و بعضی را غرق کردیم. خداوند هرگز به اینها ستم نکرد ولی آنها خودشان به خود ستم می کردند * مَثَلُ کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرد. در حالی که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است اگر می دانستند).

عنکبوت = علمای گمراهی خیانت کار و تارشان = مجادله آنها با پیامبران است و سفسطه‌های آنان ضعیف و سست بنیانشان است ؛ پس آیا کسی هست که متذکر شود و خود را از دام‌های سستشان برهاند و از نیش بی حس کننده عنکبوت که بر بدنش وارد

(۱) نمل: ۴۷.

(۲) نمل: ۵۶.

(۳) عنکبوت: ۴۰ - ۴۱

شده است رها گرداند و به خدا رو کند. از حق پیروی کند و از باطل و اهل آن روی گردان شود و بداند که تمام قدرتها بدست خداوند عز و جل است .

روشنگری از سخنان پیامبران با آنان که عذاب شده اند

تکذیب رسالتها و دستورات الهی عادت است که بنی آدم به آن عادت کرده اند. و هیچ قومی از پیامبر خود با آغوش باز استقبال نکرده است، بلکه همواره او را مسخره و تکذیب می کردند و یا او را می کشتند یا تبعید می کردند و این کارها اتفاقی و از سر بیکاری نبوده. بلکه نتیجه جنگ حتمی ای است که بین يك پیامبر و قوم منحرفش رخ می دهد. چرا که او می خواهد آنها را اصلاح کند و عدل و داد و رحمت را در میانشان اجرا کند و به آنها رنگ خدایی ببخشد و مردم را به سوی فطرت الهی خود متوجه سازد. اما بزرگان قوم که علمای غیر عامل و ثروتمندان ناز پرورده اند. تمام سعی خود را می کنند تا جریان باطل که از آنها پیروی می کند را حفظ کنند. چرا که به این جریان نشان داده اند که خودشان حق هستند. و رنگ آنها درست است و در مقابل رنگ خدایی نایستاده اند و فطرتی که با نظرات کثیف خود آن را آلوده کرده اند صحیح است. علمای بی عمل بدین صورت در جامعه خود پایگاههای معکوس آماده می سازند که حق را باطل و باطل را حق و معروف را منکر و منکر را معروف نشان می دهد .

اما در میدان مبارزه میان پیامبران ورهبران گمراه و ناز- پرورده و منحرف و جامعه. پیامبر سعی دارد مردم خود را متذکر کند تا بلکه حق را به یاد آورند و آنان را به یاد ایام الله بیاندازد تا شاید موعظه شوند و آنان را با مثالها موعظه کند تا شاید متنبه و بیدار شوند و آنان را با حکمت و نشانه های الهی متنبه کند تا شاید هدایت شوند . و اکنون میدان مبارزه بین نوح و قومش را در نظر می گیریم. آنها او را مورد مذمت و مسخره قرار می دهند:

﴿ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴾^(۱).

(گفتند: ای نوح با ما جر و بحث کردی. و زیاد هم جر و بحث کردی، اکنون اگر راست می گویی. آنچه را که از عذاب الهی به ما وعده می دهی. بیاور).

سپس او را تهدید به مرگ کرده و می گویند:

﴿ قَالُوا لَنْ نَمُوتَ بِمَا نَدَّعَىٰ يَا نُوحُ لَكُنْ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴾^(۱).

(گفتند: ای نوح اگر دست برداری. سنگباران خواهی شد).

در مقابل مردمی که در برابر کلمات مبارك و حکمتهای او پاسخی جز مسخره و استهزاء و تهدید به قتل ندارند. نوح چه باید بکند با اینکه دانشمندان و علمایی بین آنها است. اما آنها علمای غیر عامل هستند و به جای اینکه از دانش خود برای شناخت حق استفاده کنند. برای مجادله و سفسطه و دور کردن مردم از نوح و دعوت او به سوی خدا به کار بردند:

﴿ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّبُونِ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَبَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾^(۱).

(۱) هود: ۲۳.

(۲) شعراء: ۱۱۶.

(۳) شعراء: ۱۱۸.

(گفت: پروردگارا. قوم مرا تکذیب کردند. اکنون بین من و آنها جدایی بیفکن و مرا
و مؤمنانی که با من هستند را رهایی بخش).

این جریان پس از این بود که از خدا به نوح خبر رسید:

(که جز اینان که تا کنون ایمان آورده‌اند دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد. پس
از کارهایی که می‌کردند. غمگین مباش)^(۱).

اما سخنان نوح در آنها هیچ تأثیری نمی‌گذاشت. گویا مرده‌اند و هدایت را نمی‌شنوند:

﴿يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱).

(ای قوم من. هیچ گونه گمراهی در من نیست. بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار
جهانیان ام).

﴿. . . إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^(۱).

(من برای شما بیم دهنده‌ای اشکارم)

﴿. . . إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ آئِمٍ﴾^(۱).

(... از عذاب روز دردناکی بر شما می‌ترسم)

﴿. . . إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾^(۱).

(.. از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم)

(۱) هود: ۳۶.

(۲) اعراف: ۶۱.

(۳) هود: ۲۵.

(۴) هود: ۲۶.

(۵) اعراف: ۵۹.

و در این میان. کار مردم بسیار تعجب آور است زیرا که سلاطین و پادشاهان بخاطر از دست رفتن حکومت‌های دنیوی و باطل خود می ترسند و علمای بی عمل از این که مناصب و پست های دینی خود را از دست بدهند می ترسند. اما در این هنگام مردم باید از چه چیز بترسند؟ آیا باور کردنی است که انسان افسار خود را به دست علمای گمراهی بدهد مانند حیوانی که افسار خود را به دست صاحبش می دهد تا او را هر جا که خواست ببرد؟ آیا باور کردنی است که انسان راضی شود که تابع و پیرو علمای گمراهی شود تا این که او را وارد جهنم کنند؟ آیا او گمان می کند که روز قیامت زمانی که بگوید: « من پیرو و مستضعف بودم » این گفته او برایش سودی دارد. در آن روز. یشوایان گمراهی از پیروانشان بیزاری می جویند؛ خداوند متعال می گوید:

﴿ قَالَ وَبَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَّرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿١﴾ .

(و در قیامت همه آن ها در برابر خدا ظاهر می شوند؛ در این هنگام ضعفا (دنباله روان نادان) به مستکبران (رهبران گمراه) می گویند: ما پیروان شما بودیم! آیا اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده ایم شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و آن را از ما بردارید؟ آنها می گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می کردیم [ولی کار از اینها گذشته است] چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی. تفاوتی برای ما ندارد؛ راه گریزی برای ما نیست) .

و خداوند متعال فرمود:

﴿ إِذِ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ ﴾ (۱).

(در آن هنگام. رهبران (گمراه و گمراه کننده) از پیروان خود بیزاری می جویند و کیفر خدا را مشاهده می کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه است * و در این هنگام پیروان می گویند: کاش بار دیگر به دنیا بر می گشتیم تا از آنها [پیشوایان گمراهی] بیزاری جویم).
ولی افسوس بعد از این همه فراز و نشیب. پس آنها باید عذاب خوارکننده در این دنیا را بچشند و سپس عذاب جهنم که بد آبشخوری است که بر آن وارد می شوند نیز در روز قیامت در انتظار آنهاست .

و نوح قوم خود را تهدید می کند:

﴿ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْرِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴾ (۱)

(به زودی خواهید فهمید چه کسی عذاب خوار کننده به سراغش خواهد آمد و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد)

ولی این انذار و تهدید فایده ای ندارد و ظلم بر خلیفه خدا نوح. در زمین باقی می ماند و او را تا آخرین لحظه تکذیب می کنند:

﴿ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴾ (۱).

(۱) بقره: ۱۶۶-۱۶۷.

(۲) هود: ۳۹.

(۳) ذاریات: ۴۶.

(پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند آری بنده ما نوح را کذیب کرده و گفتند: او دیوانه است [و با انواع آزارها از ادامه رسالتش] بازداشته شد) .

﴿ وَقَوْمٌ نُّوحٌ مِّن قَبْلِهِمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴾ (۱)

(همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم چرا که قوم فاسقی بودند)

﴿ وَقَوْمٌ نُّوحٌ مِّن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى ﴾ (۱)

(و نیز قوم نوح را پیش از آنها. چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند)

در نتیجه برای حیات دنیا عذاب ماند که این عذاب نسبت به قوم نوح غرق شدن در دریا بود زیرا که آنها همه چیز را آلوده و همه چیز را مورد فساد قرار دادند .. آب آمد تا آنها را هلاک کند و زمین را از گناهان پاک کند:

﴿ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴾ (۱)

(کسانی که آیات ما را تکذیب کردند غرق نمودیم. پس ببین عاقبت کار کسانی که انذار شدند [و به انذار الهی اهمیت ندادند] چگونه بود) ؛

﴿ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴾ (۱)

(سپس دیگران را غرق کردیم) .

(۱) قمر: ۹.

(۲) نجم: ۵۲.

(۳) یونس: ۷۳.

(۴) شعراء: ۶۶.

﴿ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ﴾ (۱)

(سپس دیگران را غرق کردیم).

نوح نیز همانند صالح و شعیب که بعد از او آمدند. ایستادگی و مقاومت کرد در حالی که آه می کشید و بر سرنوشت قومش حسرت می خورد.

﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾ (۱)

[صالح] از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم. ولی [چه کنم] که شما خیرخواهان را دوست ندارید

﴿فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾ (۱)

(چگونه بر قوم بی ایمان تأسف بخورم).

نکته ای از معجزه و عذاب

در جلد اول از کتاب (روشنگریها) گفتم که انبیاء می آیند تا مردم را به سوی فطرت خدائی که خداوند مردم را بر آن آفریده است راهنمایی کنند. سپس انبیاء مردم را رها می کنند تا مردم هر کدام را که بخواهند انتخاب کنند: یا راهی که انبیاء برای آنها آورده اند و یا راه باطلی که مردم و مخصوصاً بزرگان آنها (علمای گمراهی) بر آن هستند را؛ و معمولاً

(۱) صافات: ۸۲.

(۲) اعراف: ۷۹.

(۳) اعراف: ۹۳.

شروع دعوت انبیاء و مرسلین بر اساس شخصیاتی بود که مردم آنها را با آن شخصیت ها می شناختند که متصف به مکارم اخلاق و صدق گفتار و امانتداری بودند .

ولی مردم - حتی نزدیکان پیامبران - به این خاطر که فطرتشان را وارونه کرده بودند دیگر قادر نبودند راه حقی که پیامبران آورده بودند را بشناسند. پس مسئله با طلب کردن دلیل از پیامبر آغاز می گردد و پیامبر دلایل کافی برای رسالتش می آورد تا مردم بدانند که او راستگو است .

ولی مردم این دست و آن دست می کنند:

﴿ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ﴾ (۱)

(و گفتند: چرا نشانه و معجزه ای از طرف پروردگار بر او نازل نمی شود)

﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ﴾ (۲)

(افراد ناآگاه گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید. و یا چرا آیه و نشانه ای برای خود ما نمی آید).

﴿ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ﴾ (۳)

(می گویند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود)

﴿ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ ﴾ (۴)

(۱) انعام: ۳۷.

(۲) بقره: ۱۱۸.

(۳) یونس: ۲۰.

(۴) رعد: ۷.

آنها دنبال چه نشانه ای هستند نشانه علمی. نشانه روحی ملکوتی. نشانه مادی؟ در حقیقت مردم اختلاف پیدا کردند در مورد آیه و نشانه مطلوبی که دلالت بر صدق رسالت پیامبر بکند. برخی از مردم. علم و حکمت را نشانه پیامبری دانستند. برخی از مردم نشانه های ملکوتی را که خود یا عده ای از مردم که محال است که اهل دروغ باشند می بینند را نشانه فرستاده دانستند. از جمله نشانه های ملکوتی همان کشف در بیداری و رؤیای صادقه در خواب است.

اما باقی مردم نشانه های مادی را دلیل رسالت دانستند. نه غیر از این را آنها در حقیقت شکسته شدگان مادی هستند و غالباً حتی اگر نشانه مادی برای آنها بیاوری ایمان نمی آورند مگر عده کمی که همان عده معدود با شک و گمان قبول می کنند؛ اگر باور نداری داستان دعوت انبیاء پیش روی توست.. در هر حال ما در اینجا این نشانه ها را به ترتیب بیان می کنیم.

نشانه علمی:

﴿وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (۱)

(و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می آموزد).

شاید مهمترین شناسه برای دعوت پیامبران همان علم و حکمت و حسن تدبیر باشد. ولی بیشتر مردم نمی توانند بین حکمت الهی که پیامبران از آن سخن گفتند و بین سفسطه و مغالطه ای که پیشوایان گمراهی و راهزنان راه خدای سبحان از آن دم زدند تمییز قائل شوند و فرق بگذارند. این عدم تشخیص نه بخاطر سختی تمییز بین حکمت و سفسطه

است. همانطور که ادعا شده و برخی از مردم گمان کردند. بلکه مهمترین علت این عدم تشخیص و خلط این است که مردم فطرتشان را آلوده کردند. کورانی گشته اند که نمی توانند تشخیص دهند بین شراب و شیر یا بین سفاهت شیطان و حکمت خداوند متعال .
چقدر تأسف آور است که این حال بیشتر مردم در هر زمان بوده است .

توضیح این مسئله اینگونه است که مسلمانان به این رسیده اند که محمد (صلی الله وعلیه وآله). معجزه ای دارد که اسم آن قرآن است و اوست که قرآن را آورده ولی چه کسی تمیز می دهد که این قرآن نشانه ای از طرف پروردگار و معجزه است .

پس اگر حضرت محمد (صلی الله وعلیه وآله) امروز بازگردد و بر زمین فرود آید و سوره ای جدید از طرف خداوند متعال بیاورد آیا مسلمانان می توانند این سوره را تشخیص دهند و قطع و یقین پیدا کنند که این سوره از جانب خداوند متعال است. و در نتیجه در نزد آنان ثابت شود که این شخص که سوره ای جدید آورده محمد (صلی الله وعلیه وآله) است ؟
می گویم: بدون تردید بیشتر مسلمانان قادر نیستند که تشخیص دهند. چه علما و چه جاهلان .. بلی. اگر مسلمانان فطرتشان را آلوده نمی کردند می توانستند این سوره را تشخیص دهند و می دانستند که این سوره. نشانه ای از جانب خداوند متعال است و در نتیجه کسی که آن سوره را آورده شخص عادی نیست .

بنابراین نتیجه حاصله این شد که اگر محمد بن عبد الله (صلی الله وعلیه وآله) امروز بیاید و قرآنی با خود بیاورد. بیشتر مردم نسبت به او کافر می شوند و ایمان نمی آورند. و می گویند که او ساحر و دروغگو است .

نشانه ملکوتی:

در اینجا دو سؤال مهم مطرح می شود:

۱- نشانه ملکوتی چیست؟

۲- نشانه های ملکوتی برای چه کسانی حجت است؟

جواب این است که تعداد آیات ملکوتی بسیار است از جمله آنها آفاق ملکوتی و انفسی است که خداوند متعال در آن مورد می گوید:

﴿سُنُّرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (۱).

(بزودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا

برای آنان آشکار گردد که او (یعنی قیام قائم) حق است)

و از جمله این نشانه ها:

۱- نور بصیرت و اطمینان قلب و آرامش البته اگر که انسان بر فطرت الهی باشد؛ فطرتی که مردم بر آن خلق شده اند و آنرا آلوده نکرده باشد یا اینکه بعد از یادآوری و هوشیاری از غفلت به سوی آن بازگردد.

۲- ذکاوت به خرج دادن و دقت در آفاق و انفس.

۳- رؤیای صادق در خواب.

۴- رؤیای صادق در بیداری (کشف و شهود) که از جمله آنها:

الف - رؤیای صادق در نماز.

ب - رؤیای صادق در رکوع.

ج - رؤیای صادق در سجود.

د - رؤیای صادق در چُرت زدن (بین خواب و بیداری) .

ه - رؤیای صادق هنگام قرائت قرآن .

و - رؤیای صادق هنگام زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام

ز - رؤیای صادق هنگام دعا و خشوع در برابر خداوند متعال .

ح - رؤیای صادق در حرم ائمه و انبیاء . مساجد و حسینیه ها .

تمام این کشف و شهودها و رؤیاهای صادق از آیات الهی هستند زیرا تمام این موارد به وجود نمی آیند مگر به امر خدا و مشیت او . و انجام این کشف و شهودها را ملائکه خداوند متعال و بندگان صالحی بر عهده دارند که از سخن خداوند سبقت نمی گیرند و در همه جا به امر او عمل می کنند .

این آیات الهی کامل از جانب خداوند متعال برای بندگان است چون این آیات کلمات خداوند اند که بوسیله آنها با مردم سخن می گوید . پس کسی که این آیات را تکذیب کند خداوند را تکذیب کرده و این عمل از بزرگترین انواع کفر است . خداوند متعال می فرماید:

﴿سُنُّرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (۱) .

(به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم) .

یعنی آفاق ملکوتی و ملکی در نفس انسان برای آنها آشکار می کند که او حق است (یعنی قیام قائم علیه السلام) .

همان طور که ائمه اطهار در روایات بیان کرده اند . زیرا مردم آنها را تکذیب می کنند و باور نیز نمی کنند .

خداوند متعال نیز می داند که بیشتر مردم غافل اند و از نشانه های آفاقی و انفسی دوری می جویند. برای همین کفر به رسالات الهیه نتیجه حتمی و قطعی از سوی این گروه از انسانهاست:

﴿وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾ (۱)

(و بسیاری از مردم از آیات ما غافل اند).

﴿وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾ (۲)

(و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آنها از آیات ما غافل اند).

﴿وَأَتَيْنَاهُمُ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾ (۳)

(و آیات خود را به آنها دادیم؛ ولی آنها از آن روی گرداندند)

در نهایت خداوند متعال. قومی که به آیات و نشانه های آفاقی و انفسی ایمان نیاوردند را تهدید می کند مخصوصاً علمای گمراهشان را که برای باطل کردن این نشانه های (آفاقی و انفسی) مجادله و سفسطه می کنند. خداوند متعال به آنها چنین وعده ای را می دهد:

﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (۴)

(و آنها که در [محو] آیات ما تلاش می کنند و جنین پنداشتند که می توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند. اصحاب دوزخند)

(۱) یونس: ۹۲.

(۲) یونس: ۷.

(۳) حجر: ۸۱.

(۴) حج: ۵۱.

﴿ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴾ (۱)

(وکسانی که برای ابطال وانکار آیات تلاش می کنند و می پندارند از چنگ قدرت ما فرار می کنند در عذاب [احضار] می شوند).

﴿ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴾ (۱)

(در آیات ما نیرنگ می کنند. بگو خداوند زودتر از شما مکر می کند و رسولان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می کنید را می نویسند)

﴿ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ﴾ (۱)

(وکسانی که سعی در تکذیب آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از حوزه قدرت ما بگریزند. عذابی بد و دردناک خواهند داشت) .

این نشانه ها. براهین و ادله ای قوی برای صاحبان آنها و همچنین برای نزدیکان و دوستان آنهاست و اگر این نشانه ها با تمام کثرتشان برای غیر صاحبانشان دلیل نیست حد اقل سببی بسیار قوی برای آنها می شود که درباره دعوت الهی تحقیق کنند و فرستاده ای را که با این نشانه ها فرستاده شده است را تصدیق کنند لکن با نهایت تأسف. بیشتر مردم از این آیات ملکوتی غافل اند تا اینکه جنبنده زمین خروج کند و بر پیشانیهایشان مهر زند که آنها به نشانه های پروردگار کافراند:

(۱) سبأ: ۳۸.

(۲) یونس: ۲۱.

(۳) سبأ: ۵.

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (۱)

(وهنگامی که فرمان عذاب آنها فرا رسد جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنها تکلم می کند [می گوید] که مردم به آیات ما ایمان ندارند) .

نشانه جسمانی (مادی):

واین آخرین درمان و علاج است و همیشه آخرین درمان. داغ کردن است با اینکه داغ کردن برای حیوان است نه برای انسان .

معمولاً آیات مادی بخاطر درخواست و اصرار مردمی است که با عذرهایی واهی و پوچ. از تصدیق پیامبران و ادله محکمی که آنان با خود آورده اند سرباز می زنند و همچنین آیات آفاقی و انفسی بزرگی که خداوند متعال آنها را در میان خلقتش برای تصدیق پیامبران مصلح به ودیعت نهاده است را با عذرهای واهی پشت سر می اندازند:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (۲)

(افراد ناآگاه گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟ و یا چرا آیه و نشانه ای برای خود ما نمی آید؟ پیشینیان آنها نیز همین گونه سخن می گفتند؛ دلها و افکارشان مثل یکدیگر است ولی ما به اندازه کافی آیات و نشانه ها را برای اهل یقین و حقیقت جویان روشن ساخته ایم) و در این مرحله آخر از آیات و نشانه ها. یعنی مرحله نشانه مادی عذاب نیز همراه این نشانه ها است .

(۱) نمل: ۸۲.

(۲) بقره: ۱۱۸.

خداوند متعال در این مورد می فرماید:

﴿ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ (۱)

(این شتر الهی برای شما معجزه ای است. او را به حال خود واگذارید که از زمین خدا [در

علفهای بیابان [بخورد! و آن را آزار نرسانید که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت)

﴿ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴾ (۲).

(این شتر الهی برای شما معجزه ای است. او را به حال خود واگذارید که از زمین خدا [

در علفهای بیابان [بخورد و آن را آزار نرسانید که عذاب نزدیکی شما را خواهد گرفت).

در حقیقت آنچه که انتظار می رفت. روی گرداندن از نشانه های مادی است همانطور که از

آیات و نشانه های آفاقی و انفسی ملکوتی روی گرداندند.

زیرا کسانی که ملکوت آسمانها و غیب خداوند متعال و رؤیای صادق را تکذیب می کنند

حتما انسان هایی با قلبهای دگرگون هستند:

﴿ سَاءَ صَرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَكْبُرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغِيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴾ (۳).

(به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می ورزند را از ایمان به آیات خدا

منصرف می سازم! آنها چنان اند که اگر هر آیه و نشانه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند؛

اگر راه هدایت را ببینند. آن را راه خود انتخاب نمی کنند؛ و اگر راه گمراهی را ببینند آن را

(۱) اعراف: ۷۳.

(۲) هود: ۶۴.

(۳) اعراف: ۱۴۶.

راه خود انتخاب می کنند ! همه اینها بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند).

عذاب حق این گروه بود؛ زیرا آنها آیات خدا را تکذیب کردند. دست رد بر سینه پیامبران زدند و بر سخنان پند آموز و عبرت های محکم گوش فرادادند:

﴿ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾ * إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ * وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿ (۱)

(و از آنان نباش که آیات خدا را تکذیب کردند که از زیانکاران خواهی بود * و برای آنان که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته و به [جرم اعمالشان توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز [ایمان نمی آورند. هر چند تمام نشانه ها به آنها برسد تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند [زیرا تاریکی گناه قلبهایشان را فرا گرفته] و هر آیه ای نزد این افراد نماد جن و جادو و یا چیز دیگری است تا اینکه عذاب الهی را بچشند)

﴿ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لَتَسْحَرْنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴾ (۱)

(و گفتند: هر چقدر نشانه و معجزه برای ما بیاوری که سحرمان کنی ما به تو ایمان نمی آوریم)

﴿ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ﴾ (۱)

(و هر گاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی گردانده و می گویند: این سحری مستمر است)

(۱) یونس: ۹۵ - ۹۷.

(۲) اعراف: ۱۳۲.

(۳) قمر: ۲.

عاقبت هنگامی که تکذیب کنندگان به لبه جهنم می رسند متوجه می شوند که چگونه با انبیاء روبرو شدند و آنها را متهم به ساحر بودن کردند. در این هنگام ندایی به آنها می رسد تا آنها را از عاقبت ننگشان آگاه سازند .

﴿ اَفْسِحْرُهُ هَذَا اَمْ اَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴾ (۱)

(آیا این سحر است یا شما نمی بینید) .

نکته ای از دلایل عذاب

عذاب الهی برای هر امتی و در هر زمانی امر بسیار عظیمی است که واقع نمی شود مگر بعد از اینکه امت به سوی انحراف عقایدی و تشریحی که بسیار دور از ذهن است بروند و بسیاری از فرزندان آن اُمّت فطرت خود را وارونه کنند و بگونه ای شوند که مقیاس ها را وارونه بینند (منکر را معروف و معروف را منکر بینند) و بعد از اینکه فرستاده ای از جانب خدا برای چنین امتی فرستاده شد تا انحرافات باطلی را که مردم. آن انحرافات را قبول و در مقابل آن خضوع کرده اند و به آن انحرافات عمل می کنند را برایشان بیان کند سپس آن امت از فرستاده خود روی گردانند و نسبت به او بی توجه کنند و یا او را مسخره کنند .

بنابراین علت عذاب. انحراف و فساد به اضافه رد هرگونه اصلاح این انحرافات و تکذیب رسول خداوند متعال می باشد .

انحراف عقایدی و یا تشریحی در هر امتی پدیدار نمی شود مگر اینکه علت آن. علماء دین در آن زمان باشند زیرا عامّه مردم قدرت تحریف شریعت را ندارند و در ضمن مردم عوام نمی توانند دیگران را برای قبول این انحرافات قانع کنند. پس اگر انحراف از غیر علماء ممکن نیست پس فرد منحرف کننده. یکی از اینهاست و غالباً از بزرگان علما هستند که مردم در امورشان به او رجوع می کنند سپس در یک مدت خاصی. گروهی از همین علمای غیر عامل از این انحراف محافظت می کنند

اما فساد اخلاقی عادتی است که بین مردم نشر پیدا می کند با وجود طاغوت‌های مفسد و خالی بودن زمانه از علمای مخلص و ربانی که یا کشته شده اند و یا تعدادشان کم است و یا کسانی که آن علمای ربانی را یاری کنند اندک هستند و یا علمای غیر عاملی وجود دارند که بر شهوات تکیه زده اند .

این علمای غیر عامل با سیرت و فطرت زشتشان مردم را از راه راست گمراه می کنند بلکه سبب این می شوند که بسیاری از مردم از دین متنفر و روی گردان شوند و سبب می شوند که مردم تعالیم انبیاء و اوصیاء را رد کنند زیرا گمان می کنند که دین. همین تعالیم علمای فاسد است. و این کسانی که از دین روی گردان شده اند بسیار نرم تر و حق پذیرتر از کسانی هستند که از علمای فاسد پیروی و از آنها در انحرافاتشان تبعیت می کنند بدون اینکه این عقاید باطل را مورد نقد و بررسی قرار دهند و بدون اینکه به واقعیت پست علمای فاسد اعتراف کنند . هر چند واقعیت آنها آشکار و انکار ناپذیر است و برای شناخت آن احتیاجی به هیچگونه بحث و بررسی ندارد ولی این مقلدین. مقلدان کور دلی هستند که هیچ چیز را نمی بینند مگر آنچه که علمای فاسد آنها می بینند:

﴿ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانُوا لَشَيْطَانٍ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴾ (۱).

(و هنگامی که به آنان گفته شد از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می گویند: نه. بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم. آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند [باز هم تبعیت می کنند]).

با وجود این جریان جاهلی نیاز به توضیح زیاد نیست. زیرا ما نتیجه را می شناسیم همچنان که در قرآن حکایت شده و آن. تکذیب پیامبران مصلحی است که از جانب خداوند متعال فرستاده شده اند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ * قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ *﴾^(۱).

(ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. او به آنان گفت: ای قوم من! تنها خداوند یگانه را پرستش کنید. که معبودی جز او برای شما نیست. من برای شما از عذاب روز بزرگی می ترسم * اشراف قومش به او گفتند ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم * گفت: ای قوم من هیچ گونه گمراهی در من نیست ولی من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم).
و تکرار فرستادگان از جانب خداوند و تکرار در جا زدن و توقف علمای غیر عامل و پیروانشان در مقابل فرستادگان و انبیاء الهی:

﴿وَالِي عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا... قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا - برسالته - مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ *﴾^(۲).

(وبه سوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم. اشراف کافر قوم او گفتند: ما تو را در سفاهت [نادانی و سبک مغزی] می بینیم و ما مسلماً تو را از دروغگویان می بینیم * گفت: ای قوم من؛ هیچ گونه سفاهتی در من نیست. بلکه فرستاده ای از طرف پروردگار جهانیانم).

(۱) اعراف: ۵۹ - ۶۱.

(۲) اعراف: ۶۶ - ۶۷.

﴿وَالِي ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا...﴾ (۱)

(وبه سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم).

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّي قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿ (۲)

(ولی اشراف متکبر قوم او به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند: آیا شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟! آنها گفتند: ما به آنچه او مأموریت یافته ایمان آورده ایم * متکبران گفتند ما به آنچه شما ایمان آورده اید کافریم).

﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ (۳)

(وبه خاطر آرید پیامبر خدا لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است).

چه بسا دل حاکمان طاغوت و ستمگر. در مقابل یتیمان و گرسنگان و زنان بیوه ای که بالشان شکسته است نرم شود. اما این انسان های غیر طبیعی علمای گمراه بی عمل و تابعینشان اصحاب جمعیت های غیر خیریه (که خداوند آنها را لعنت و خوار کند و عارشان را در همین دنیا بر همه ظاهر کند و تاج کفر را بر سرشان بنشانند) از زنان بیوه و مساکین برای جمع آوری اموال. سوء استفاده می کنند و توسط اسم این قشر از افراد جامعه آن اموال را

(۱) اعراف: ۷۳.

(۲) اعراف: ۷۵ - ۷۶.

(۳) اعراف: ۸۰.

به تاراج می برند و اگر هم به آنها کمکی کنند بسیار ناچیز و از طریق راه های پست و خوار کننده است .

و به خدا قسم من خجالت می کشم که کارهای آنها را بازگو کنم و نمی دانم که چگونه این اراذل قوم لوط زمانه این اعمال را انجام می دهند مثلاً: یکی از این افراد که خدا روی او را در دنیا و آخرت سیاه کند که عمر او حدود شصت سال است با روی باز یکی از این زنان را دعوت کرد و به اسم عقد متعه (صیغه) با او زنا و عمل فحشاء انجام داد . و یکی دیگر از این افراد که حدود هفتاد سال عمر دارد با یک دختر بیست ساله ازدواج کرد و این انسانهای غیر طبیعی که بنده شهوت هستند جدیدترین ماشین ها را سوار می شوند و برای خود محافظ قرار می دهند و در خانه های بزرگ با پیشرفته ترین اثاث . زندگی و سکونت می کنند .

این افراد پیروان معاویه (لع) و باقی مانده آل ابی سفیان هستند که رسول خدا از این افراد بیزاری می جوید که اگر منتسب به حضرت . آنها را به سوی حق دعوت کنند جواب این افراد وارونه و جواب قوم لوط به کسانی که آنها را به اصلاح دعوت کند یکی است و آن جواب این است ؛ ﴿أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾ ()

(اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید که اینها مردمانی هستند که پاکدامنی را می طلبند [و با ما هم صدا نیستند]) .

(وبه سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم)

﴿ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴾ (۱)

(گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستوری می دهد که آنچه پدرانمان می پرستیدند را ترک کنیم؟ یا آنچه را که می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی).

آنها سعی می کردند. شعیب را با پول و سیاست و تملق و چاپلوسی و یا حتی ذلیل کردن او از راه خود باز دارند (آیا نمازت چنین دستوری را به تو داده است) (همانا تو بردبار و عاقلی) آنان با تمام یقین تأکید می کردند ما می دانیم که تو عاقل و بردبار و خوش رفتاری، اما پس از مدت کوتاهی که دانستند این چرب زبانی و فریب کاری ها در مورد شعیب عليه السلام کارساز نیست. مرحله جدیدی را آغاز کردند: ملأی از قوم او گفتند - ملأ یعنی علمای فاسد که دائما در طول تاریخ در مقابل پیامبران ایستاده اند و با آنها مبارزه کرده اند - (اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: ای شعیب تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند را از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد یا به آیین ما بازگردید..)^(۱)

(۱) هود: ۸۷.

(۲) اعراف: ۸۸.

مقدمات عذاب

هنگامی که دلایل عذاب کامل شود و پیامبر تکذیب گردد و مردم بخصوص علمای سوء و پیروان کور آنها او را مورد اهانت و تمسخر قرار دهند. مرحله جدیدی آغاز می شود که مقدمه طوفان سهمگین است که با نسیم های آرام شروع می شود و افراد نادان گمان می کنند که وضعیّت همین گونه ادامه پیدا خواهد کرد. اما پس از لحظاتی بادهای شدید به اذن خدا همه چیز را ویران می کنند:

﴿فَتَحْنَاهُمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾^(۱).

(... درهای هر چیز (منفعت و سود) را بر آنها باز کردیم تا به آن نعمتهای اعطائی خوشحال شوند ناگهان آنها را گرفتیم (وسخت مجازات کردیم). در این هنگام، همگی مأیوس شدند).

عذاب اینگونه آغاز می شود که ابتدا دنیا به دشمنان پیامبر و کسانی که او را تکذیب کردند رو می کند و این موضوع دو دلیل دارد:

یکی اینکه در لذت ها و شهوت ها و زر و زیور دنیا غرق گردند. پول دوست شوند و تنها هدفشان از زندگی کسب مال باشد جز پول. چیز دیگری را نبینند و بیش از پیش در گمراهی فرو روند:

﴿وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾^(۱)

(وبه آنها مهلت می‌دهم. زیرا طرح و نقشه من قوی است).
واین باعث می‌شود که در هنگام نزول عذاب الهی در دنیا. عذاب روانی آنها نیز زیاد شود.
چرا که دنیا از آنها روی گردانده و آنها را رها کرده است، دنیایی که با آغوش باز به استقبال
آن رفته بودند (به آنچه که به ایشان داده شد خوشنود شدند) بدون اینکه درباره وضعیت
خوارکننده خود تفکر کنند... و گوئی این حدیث قدسی را نشنیده اند: (ای پسر عمران اگر
دیدنی دنیا و ثروت به تو روی آورده است بگو گناهی است که عقوبتش به سرعت فرارسیده
است) و غافلین همیشه اینگونه اند. گمان می‌کنند دنیایی که به ایشان روی آورده است
جزای اعمال خیرشان است و نعمتهایی که به ایشان می‌رسد حاصل دسترنجشان است
درحالیکه این در واقع نسیم قبل از طوفان است!! و در واقع گناهی است که عقوبتش به
سرعت فرارسیده است!!

احمد الحسن

۲۶ / صفر / ۱۴۲۵ ه. ق

نجف اشرف

فهرست

- * اهدا ۸
- * روشنگری از دعوت پیامبر اکرم و مطالبی در مورد عذاب ۱۳
- * روشنگری و هدایت قبل از عذاب ۱۹
- * روشنگری از سخنان پیامبران با آنان که عذاب شده اند ۲۱
- * نکته ای از معجزه و عذاب ۲۳
- * نشانه علمی ۳۱
- * نشانه ملکوتی ۳۷
- * نکته ای از دلایل عذاب ۳۹
- * مقدمات عذاب ۳۹
- * فهرست ۳۹

*** **

سایت انصار امام مهدی خداوند در زمین تمکینش دهد

www.almahdyoon.org

<http://www.almahdyoon.info/farsy/>

روم انصار امام مهدی در بالتوک

middle east >> islam >> ansar al imam almahdy

